

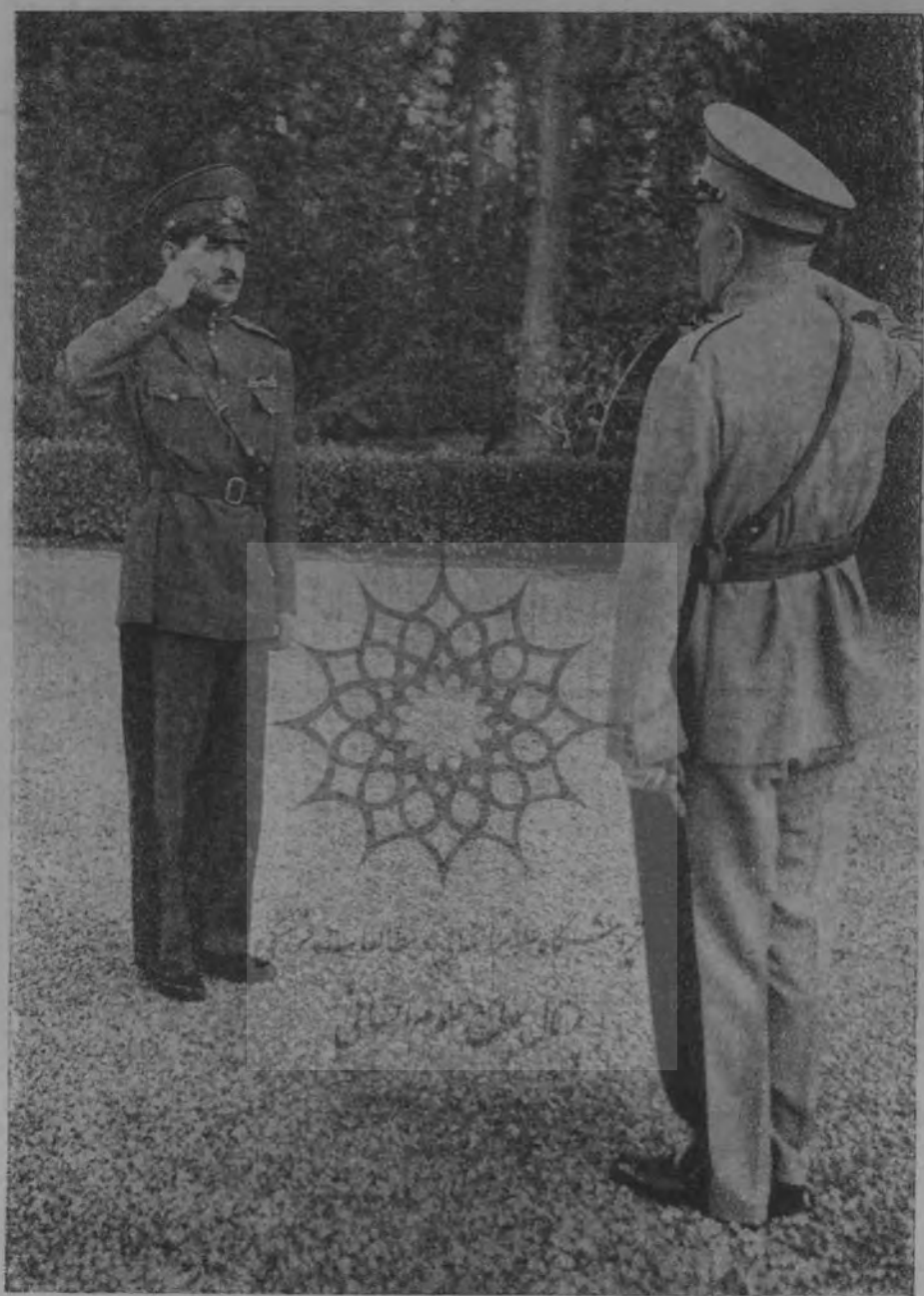
جنگ آلمان و شوروی

قبل از آنکه هفته دوم ماه دسامبر آغاز گردد وضعیت آلمانیها دشوارتر شد و اگرچه در ظاهر علائم ضعف در آنها آشکار نبود معیناً هر روز بروخامت اوضاع آنان افزوده میشدشکی نیست که فرماندهی کل ارتش شوروی در این موقع عمل قطعی جنگ را باموقیت کامل انجام داده بود یعنی از مرحله دفاعی وارد مرحله تعرضی گردید آنهم در هوای نامساعد زمستان باعدم کفایت وسائل ارتباطی و در دهات و سرزمینهای ویران ستاد ارتش آلمان از طرف دیگر منتظر وقوع حوادث غیر مترقبه ای بود آلمانیها یک جنگ زمستانی در پیش داشتند که برای آن تهیه های کافی و لازم ندیده بودند. از نقطه نظر روحیه و وضع عمومی از سقوط و بحران سختی حکایت میکرد. عدم انهدام ارتش آلمان در آن موقع که روسها ب وارد آوردن ضربات سخت پرداختند فقط و فقط مدیون استقامت و بردباری سربازان آلمانی بود. علت دیگر آن بود که حمله متقابل روسها از نقطه نظر زمان و هم از نقطه نظر مکان تدریجاً انجام گرفت روسها در بیست و پنجم ماه نوامبر نخستین ضربه قوی را وارد آورده و آلمانیها را در حوالی «رستف» (۱) مجبور به عقب نشینی نمودند در عرض دو هفته دولشگر زره پوش فن «کلایست» (۲) در امتداد دریای «آزوف» مشغول فرار بودند در شمال در روز نهم ماه دسامبر ارتش فن «لیب» (۳) بتخلیه «تیخوین» پرداخت ضمناً در حوالی مسکو صدای طوفانی که وقوع آن در آتیه نزدیک کی تصور میرفت بسگوش میرسید. دوبازوی حمله گزانبیری آلمانیها سخت مورد تهدید واقع شد و در روز سیزدهم دسامبر این تهدید صورت عمل بخود گرفت و ارتش شوروی در طول جبهه به پیشروی و حمله پرداخت. در روز شانزدهم آلمانیها مجبور بتخلیه

۱ - Rostov

۲ - Leeb

۳ - Kleist



اعلیحضرت همایون شاهنشاه در جشن افتتاح دانشگاه جنگ
گزارش فرمانده دانشگاه را استماع میفرمایند

کالینی
نقطه ر
و آلم
در اعلا
ایجاد
بخاک
سال نو
هوایی
ارتش
بجهانی
و عده
قادر ب
وارد ب
مینمو
را در
اینکه
آلمان
فن
نظر این
کنار
را عه
قسمت
در جبه
به بود



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

«کالینین» گردیدند. از این حملات روسها نتایج مفیدی بدست آوردند در هر نقطه روسها ادعای میگرداند که موفق باشغال دهکده ها و مراکز جمعیت شده اند و آلمانیها بهیچوجه ادعای آنها را تکذیب نمینمودند. درحقیقت این تغییر در اعلامیه های آلمانیها کاملاً مشهود بود.

در مخفی ترین محافل فرماندهی کل ارتش آلمان یک بحران حقیقی ایجاد گردیده بود و فرماندهی کل در اینموقع احساس نمود بنیانی که تهاجم بخاک شوروی روی آن بنا شده نه ظاهر آبلکه معنأ متزلزل گردیده است. چندین سال نوشتهجات نظامی آلمان شامل گزارشهای تحقیر آمیز نسبت بارتش و نیروی هوایی سرخ بود و گزارشهای ستاد ارتش آلمان همیشه افکار و اصول نظامی ارتش سرخ را مورد استهزاء قرار میداد سدهام تمام دستگاه تبلیغاتی آلمان بجهانیان «بزرگترین پیروزی را که تا کنون در تاریخ بشری ثبت گردیده» وعده میداد و کوشش فرماندهان ارتش سرخ را قابل ترحم دانسته آنها را فقط قادر بدفاع بدون حرکت آنهم در اثر رشادت و حیثیانه سربازان روسی میدانست حال وضع آلمان را مورد دقت قرار دهم. در مدت دو سال آلمانیها فشار وارد بوسیله جنگهای تابستانی را در نتیجه تهیه و استراحت در زمستان ترمیم مینمودند لکن در اینموقع نبرد زمستانی روسها بکلی نظام امور جنگی آلمان را درهم شکست. بحران در مرکز فرماندهی ارتش آلمان روبشدد نهاد تا اینکه پیشوای آلمان خود بحال این مسئله پرداخته شخصاً فرماندهی کل ارتش آلمان را عهده دارشد و فلدمارشال «فن بروخیچ» (۱) از کار برکنار نمود. فن «بوک» فرمانده جبهه مرکزی ظاهراً بعدر کسالت مزاج و بساطناً از نقطه نظر اینکه عملیات وی در حمله بمسکو باعدم موفقیت مواجه گشته قبلاً از کار کناره گیری کرده بود فن «روندشتدت» که فرماندهی نیروی جنوبی آلمان را عهده دار بود نیز از کار کناره گیری نمود و فن «رایشنو» فرمانده یکی از قسمتهای نیروی جنوبی فن «روندشتدت» بمرض سسکته درگذشت. فقط فن «لیب» در جبهه «لنینگراد» در محل مأموریت خود باقیماند. چندی بعد فن «بوک» بمهودنی یافت وعهده دار فرماندهی نیروی جنوبی گردید.

پیشوای آلمان در اینموقع بوضع وخیمی دچار شده بود و نمیتوان دریافت چگونه مصمم بعزل فرماندهان لایق خود گردید زیرا در چنین وضعی چاره ای جز اعتماد بر ایزنان فنی دائم خود نداشت اگر او حقیقتاً معتقد بود که شخصاً باید ارتش خود را از خطر نجات دهد میتوان چنین نتیجه گرفت که وضع ارتش آلمان در نظر ستاد ارتش وخیم جلوه نموده بود و در اینکجه فرماندهی کل اوضاع را وخیم یافته بود محل تردیدی نیست زیرا در همین موقع وزارت تبلیغات آلمان اعلامیه ای منتشر و برای تهیه لباس زمستانی نفرات آلمانی از ملت اعانه خواست.

نمیتوان گفت که آیا بهبودی وضع آلمانیها در اثر تقاضای شخصی پیشوای آلمان از افراد ارتش بود یا در نتیجه کندی روسها در ادامه حملات. در هر صورت ارتش آلمان توانست وضع خود را تا حدی بهبودی بخشد و حتی در برخی اونیقات در مقابل روسها بیایداری سخت ببرد (البته با دادن تلفات سنگین و تحمل غیر قابل تصور سرما) از طرف دیگر روحیه نفرات آلمانی کم کم رو پانحطاط رفته بود. ضعف روحیه بطوری بود که اغلب صدای باد های سرد درختان موجب اعلام خطر از طرف آلمانیها میشد. در سرما، تنهائی و برف نفرات آلمانی اغلب مبتلا بیک نوع مالینخولیائی میشدند که گاه منجر بخود کشی میکردید. مرگ در نتیجه مسمومیت از گاز کاربنیک خیلی اتفاق می افتاد زیرا سربازان آلمانی اغلب برای گرم کردن بدنهای نیمه منجمد خود باطاقهای مسدودی که در آن چوبهای ترمیسوخت پناه برده در نتیجه از گاز کاربنیک به هلاکت میرسیدند. سرمازدگی و امراض گوناگون تلفات سنگینی بر آنها وارد می آورد لکن با وجود این مشکلات و سختیها سربازان آلمانی در برخی از نقاط بمقاومت می پرداختند و این بهترین و بالاترین گواه حسن روش آموزش سربازان آلمانی و ترس آنان از پیروزی روسها و قساوت آنها که بهر سرباز آلمانی تلقین شده بود میباشد.

البته نمیتوان ادعای روسها را راجع بموقیت در کلیه نقاط جبهه باور نمود زیرا آلمانیها هنوز میتوانند در برخی از نقاط ب وارد آوردن ضربات سخت

بپردازند کما اینکه در جبهه «مورمانسک» (۱) روسها در اواخر مجبور بعقب نشینی شدند. با وجود این قبل از آنکه سال بانتها رسد ارتش سرخ «کالوگا» (۲) واقع در قسمت جنوبی جبهه را اشغال نموده و در قسمت شمال به «رزف» (۳) نزدیک میشد. در نتیجه این دو پیشروی میتوان گفت که دوبازوی حرکت گاز انبری برای احاطه «مسکو» در اینموقع بکلی از بین رفته بود.

واکنش این حوادث مهم در پایتخت آلمان کاملاً مشهود بود و اگر چه تأثیر تغییر وضع در روحیه ارتش آلمان بیش از آن بود که قبلاً ب نیروی اعزامی انگلستان در «فلاندر» وارد آمده بود معیناً میتوان گفت که این تغییر تعیین کننده سر نوشت آلمان بود. از طرف دیگر نتیجه جنگهای جبهه «مسکو» را نمیتوان بهیچوجه با سقوط فرانسه در ۱۹۴۰ مقایسه نمود. لکن اگر جنگ ۱۸-۱۹۱۴ را مورد دقت قرار دهیم خواهیم دید که از لحاظ نزدیکی بین پایان نبرد دوم آلمانیها در جبهه «مسکو» و نبرد دوم «مارن» در ژوئیه ۱۹۱۸ وجود دارد نبرد اخیر حملات متقابله نیروی متفقین را تشکیل میداد که مستقیماً بمتار که ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ خاتمه یافت.

البته دلیل کافی در دست نیست که بوسیله آن بتوان بتحقیق گفت که حوادث نوامبر و دسامبر ۱۹۴۱ نتیجه ای نظیر نبرد «مارن» ۱۹۱۸ خواهد بخشید (مخصوصاً در يك چنین فاصله کمی) فعلاً نخستین مسئله ای که طرفین متخاصم با آن مواجه میباشند مسئله ذخیره افراد نظامی میباشد. در مورد تولید آلات و ادوات جنگی از نقطه نظر افراد روسیه دارای ذخیره بیشتری میباشد در صورتیکه آلمان مجبور خواهد شد مردان مسن یعنی آنها نیز که همابین سال ۱۹۱۹ و ۱۹۳۶ تعلیمات نظامی دیده اند داخل جنگ نماید بعلاوه جبران تلفات وارد بر ملوانان زیر دریائی برای آلمان بی نهایت دشوار میباشد بطوریکه ممکن است ارتش آلمان دیگر نتواند باندازه ژوئن ۱۹۴۱ سهمناک گردد و محل تردید است که آیا ارتش آلمان بطور کلی بار دیگر موفق بتجدید حملات سخت ماههای اخیر سال ۱۹۴۱ خواهد شد یا خیر؟ (۴)

(۴) نظر براینکه این یادداشتها ضمن جنگ تهیه شده از اینجهت

۱- Murmansck

۲- Kaluga

۳- Rzhnev

بعضی از قسمتهای آن صورت پیش بینی را دارد.

از نقطه نظر ادوات جنگی و تجهیزات آلمان ممکنست بتواند با اطمینان بیشتر و سرعت زیادتری بتولید اینگونه مواد بپردازد و آنچه را که در عرض ششماه اخیر از دست داده جبران نماید. در سراسر اروپا آلمانیها کلیه کارخانه هائیرا که قادر و مایل بتولید ادوات و آلات جنگی برای آنان میباشند در تحت اختیار خود در آورده و حتی آنهایرا که از تولید مواد جنگی امتناع میورزند بتولید مواد لازمه زندگانی برای داخله آلمان تشویق میکنند تا بدینوسیله کارخانه های غیر نظامی آلمان را بتولید ادوات جنگی بگمارند. آلمان همچنین میتواند کارگران کشورهای اشغال شده را بکار وادار نماید. اسرای جنگی بطور کلی میتوانند جانشین کارگران آلمانی شوند و آنانرا برای دخـول در ارتش آزاد گذارند. بدست آوردن نفرات از کشورهای متفق آلمان البته دشوارتر از آن است که آلمانیها خود مایل باعتراف آن میباشند و تازه اشکال در اینست که آیا این قبیل سربازان پس از ورود بجهت جنگ حاضر برای جنگ خواهند بود یا خیر؟ مسئله دیگر مساج ساختن آنان است. در اواخر جنگ گذشته شایع بود که روسها عده ای از کارگران هلندی را که در جهت خاور در ارتش آلمان مشغول خدمت بودند اسیر نموده اند و ظن قوی میرفت که این کارگران بوسیله آلمانیها بشغل سربازی گماشته شده و بعوض آنان اسرای جنگی یا لهستانیها و یا روسها نیز که بمجموعه کارخانه های خود شیده بودند بکار میبردند با این وصف حتی اینگونه اقدامات نیز به نتیجه متین نخواهد رسید. طبق گزارشهایی که بدست میآید آلمانیها میگویند تا بلکه امور کشاورزی نواحی اشغال شده را بوضع عادی عودت دهند. در اینجا لازمست مواعی را که آلمانیها در این موضوع با آن مواجه شده اند مورد دقت قرار دهیم زیرا بدینوسیله پی خواهیم برد که چگونه نقشه نازیها بتدریج دچار اختلال میشود. در مبارزه بر علیه کمونیسم آلمانیها کوشیدند تا روش کشاورزی اشتراکی را در روسیه اشغال شده از بین ببرند لکن در اجرای این نقشه با عدم موفقیت مواجه شدند زیرا نفرات زیادی که برای اداره امور کشاورزی انفرادی لازم بود در دست نبود و پس از آنکه آلمانیها مجبور باعاده سیستم اشتراکی شدند دریافتند که

گذشته از بنزین ، نفت و سوخت لازم تراکتور و سایر ماشینهای کشاورزی بهیچوجه در مزارع وجود نداشت . عدم موفقیت آلمانیها در اینقسمت بهترین شاهد دشواری وضع آنان راجع به تغذیه ارتش و نفراتی کسه در عقب جبهه بکار گماشته شده اند میباشد .

بطور خلاصه میتوان گفت که این دو نبرد در جبهه مسکو ، ممکنست آغاز عدم موفقیت ماشین جنگی آلمان باشد . چه موقع و تاجه حد علائم شکست حقیقی در چهره ارتش آلمان ظاهر خواهد شد منوط بظرفیت روسها در ادامه حمله متقابله خود میباشد . در اینجا لازم است باردیگر روش جنگی روسها را مبنی بر اینکه جنگهای امروز را نمیتوان بوسیله حمله آنی انجام داد بلکه باید بوسیله استعمال تدریجی نیرو به پایان رسانید مورد دقت قرار دهیم . در آغاز جنگ کنونی ماشین جنگی آلمان کوشید تا شاید جنگ را بایک ضربت خاتمه دهد لکن در اجرای این نقشه موفقیتی بدست نیاورد . همچنین در حمله بمسکو که از نقطه نظر روسها بزرگترین و خطرناک رسیده بود با عدم موفقیت مواجه گشت لکن حمله دین آلمانیها در امتداد سواحل دریای سیاه تقریباً به نتیجه رسید این کوششهای روسها فوق العاده مستلزم صرف نیرو ، نفرات و ادوات جنگی بود که فقط در صورت موجود بودن شرایط مساعد ممکن بود به نتیجه برسد روسها با وجود تلفات سنگین مرفق بیایداری گردیدند و آتیه حملات متقابله روسها منوط بوقه قدرت آنان خواهد بود افزایش نیرو و برتری بر آلمانیها میباشد .

ناتمام

پرتال جامع علوم انسانی

